

افغانستان؛ میدان رقابت و خصومت هند و پاکستان محمد اکرام اندیشمند

هندوستان که پس از استقلال (1947) بر سر کشمیر با پاکستان وارد مخاصمت شد، بهره گیری از منازعه دیورند در این مخاصمت مورد توجه دهلی قرار گرفت. از این رو زمام داران هند در منازعه دیورند و پشتونستان جانب افغانستان را گرفتند تا پای دشمن را در عقب خود هرچه بیشتر در دشمنی دیگر فرو برند و پاکستان را از عقبگاه آرام و مطمئن محروم کنند. "زوروردولت سنگ" Zorawar Daulet Singh استاد امور بین المللی دانشگاه جان هاپکینز و تحلیلگر روابط جهانی و امور استراتژیک در دهلی جدید حمایت هندوستان را از افغانستان در منازعه دیورند سیاست سنتی هند تلقی می کند: «سیاست سنتی هند در افغانستان بر بنیاد منطق جیواستراتژیک نفی "عمق استراتژیک" پاکستان اساس گذاشته شده بود و بدین ترتیب توجه اسلام آباد را از مرزهایش با هند بیشتر به خط دیورند با افغانستان معطوف ساخته بود.»

زمام داران هندوستان در تمام دوران منازعه میان پاکستان و افغانستان بر سر دیورند از موقف رسمی افغانستان حمایت کردند و استراتژی هند را پیوسته بر مبنای همکاری با دولت های بر سر قدرت در کابل به استثنای حکومت طالبان استوار ساختند. در حالی که سیاست پاکستان در جهت مخالف آن مبنی بر حمایت از مخالفان دولت حاکم بر کابل بنا یافت. دولت هند به ویژه پس از پیوستن پاکستان به پیمان نظامی سینتو در آغاز دهه پنجاه میلادی، به برقراری مناسبات نزدیک با کابل پرداخت. زمام داران هر دو کشور در شروع جنبش کشورهای غیرمتعهد در شکل گیری و قوام این جنبش در واقع با انگیزه واکنش در برابر پاکستان، با همسویی بیشتر عمل نمودند.

دولت هند از زمان صدارت سردار محمدداود همکاری پنهان استخباراتی و امنیتی را با کابل تأمین کرد. تهیه بخشی از بودجه نقدی اداره و یا وزارت اقوام و قبایل و دستگاه استخباراتی افغانستان در جهت استفاده بر سرمنازعه دیورند یکی از عرصه های این همکاری پنهان استخباراتی بود که هنوز ادامه دارد.

درحالی که دولت ها و زمام داران افغانستان از روابط نزدیک با هند در مقابله پاکستان بر سر منازعه دیورند به هیچ چیزی دست نیافتند، اما پاکستان از این رابطه در خصومت با افغانستان بهره گیری کرد. حتا زمام داران پاکستانی موفق شدند تا افکار عامه و ذهنیت بسیاری از حلقه ها و گروه های سیاسی و مذهبی پاکستان را در دخالت و خصومت علیه افغانستان به بهانه روابط کابل با دهلی آماده و قانع کنند، ولیکن دولتمداران افغانستان هیچگاه موفق نشدند تا از رقابت و خصومت هند و پاکستان در جهت منافع و مصالح افغانستان سود ببرند.

نکته دیگر در مناسبات دهلی و کابل بر سرمنازعه دیورند، عدم صداقت دولت هند در جانبداری از سیاست رسمی افغانستان مبتنی بر تعیین حق سرنوشت برای پشتون ها و بلوچ های آن سوی دیورند است. هندوستان در حدمعینی در چهارچوب منافع خود از موقف افغانستان در منازعه دیورند حمایت کرد. پس از تجزیه پاکستان و ایجادکشور بنگله دیش وقتی سفیرهند اعتماد نامه اش (1972) را به شاه ایران

تقدیم کرد، گفت: «ما نمی خواهیم پاکستان پیش از این تضعیف شود، چون به وجود آمدن کشور های پختونستان و بلوچستان و غیره که تمام فقیر و گرسنه هم خواهند بود، درد سر های بزرگتری در این منطقه به وجود می آورد.»

خبر دریافت چهار چرخ بال در روز های اخیر از هندوستان در ادامه سیاست های دهلی جدید برای کابل است تا تنور اختلاف و منازعه میان کابل و اسلام آباد داغ باشد و افغانستان میدانی برای رقابت و خصومت سنتی دهلی و اسلام آباد باقی بماند. دولت مداران کابل و هر آدم با سواد در عرصه سیاست میداند که این گونه کمک های ناچیز نظامی مانع دخالت پاکستان در افغانستان نمی شود و افغانستان را در میدان جنگ علیه طالبان و تروریزم مورد حمایت پاکستان به پیروزی نمی رساند.